

نغمه ها

به بهانه دومین همایش کارآواها و آیین‌های موسیقایی کار

موسیقی کار، عبادت است

رضا مهدوی



■ دومین همایش «کار آواها و آیین‌های موسیقایی کار در ایران» شامگاه جمعه ۱۵ مهر، با بیش از چهار ساعت متوالی سخنرانی پژوهشگران و مدیران موسیقی کشور و اجرای متنوع کار آواها و آیین‌های موسیقایی کار، توسط گروه‌های مختلفی از مناطق مختلف ایران در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد. متن زیر بخشی از سخنرانی رضا مهدوی مدیر کل مرکز موسیقی حوزه هنری در این همایش است.

■ ■ ■

اگر شرایط نقد در فضای سالم فراهم شود، باعث پیشرفت جامعه خواهد شد. هدف و نشانه‌گذاری در جشنواره‌ها و همایش‌های علمی بسیار مهم است. باید بر دو بال پژوهش و تولید حرکت کنیم. جوانان ما بیش از پیش به چنین خوراک‌های فرهنگی موسیقایی نیازمندند و نباید با انتقادات جزبی، فضای به وجود آمده را تنگ کنیم.

موسیقی جدای از هنر بودن آن، زندگی در همه عرصه‌هاست، اینکه فکر کنیم موسیقی فقط یک هنر است؛ تفکری اشتباه است. موسیقی عشق، ذات، ریاضی، فیزیک و در نهایت متافیزیک است و راهی برای رسیدن به پروردگار یکتا به حساب می‌آید. اگر موسیقی کار، واکاوی شود؛ نقش تاثیر گذاری در زندگی امروز خواهد داشت و نباید موسیقی کار را یک هنر تاریخی بدانیم؛ چراکه هر چه فی‌البداهه به ذهن هنرمند بپراوم این موضوع تاثیر بگذارد، به خلق اثر کمک می کند و می‌تواند در ردیف این گونه موسیقی قرار گیرد. بالطبع، در کنار کار، که یکی از عبادات محسوب می‌شود، آیین‌های مربوط به کار مثل موسیقی آن در زمره عبادت و معنویت خواهد بود. بعد انسانی و کرامت در موسیقی نواحی ایران، پرتنگ‌تر از موسیقی دنیاست و خاستگاه ویژه‌ای دارد و باید اجازه دهیم که موسیقی کار و موسیقی نواحی به شکل‌های مختلف اشاعه پیدا کند. موسیقی کار در ایران، باوجود بودن کارفرما در موسیقی بلوک شرق، کارفرما ندارد و به شکلی بداهه، انفرادی یا حتی گروهی ارایه می‌شود و حکمتی متعالی و خداجویانه دارد که در کنار اینها می‌توان حس توحید، یکتاگرستی و انسانیت را استنباط کرد و اصلا جنبه اقتصادی و بهرروری بیشتر برای کارفرما ندارد و صرفا الحان، نغمات و ترانه‌هایی است که هنگام کار و یا پس از انجام کار برای نشاط



درونی و همراهی جسم و روح که برگرفته از ادبیات آیینی، خرده‌فرهنگ‌ها و حتی فرهنگ‌هاست، مطرح بوده است. بضاعت ما در مرکز موسیقی حوزه هنری در حد برگزاری چنین همایش‌هایی در سطح است، اما به نظر من اصل خروجی در جای دیگری است و باید با آسینش‌نامسی چنین رویدادهایی، که به نظر یک همایش علمی دیگر است، به عنوان یک سند رسمی در مجامع دانشگاهی ارایه شود. این گونه حرکت‌ها باید بتوانند در بعد انسانی خودش به خواست جامعه‌ای حرکت کند که شاید در این تالار حضور نداشته باشند، اما می‌تواند جامعه هنری را به سمت پویایی و خلاقیت هدایت کند و این موضوعی است که با دقت تمام مورد توجه ماست.

همین نمونه‌های موسیقی کار می‌تواند دستمایه خوبی برای آهنگسازان ما، برای ساخت آثار مختلف در ژانرهای مختلف موسیقئی باشد. مرکز موسیقی حوزه هنری هم به عنوان یک نهاد انقلابی الگوساز در جهت اعتلای هنر دینی به شکل مستقیم و غیرمستقیم تلاش دارد، فارغ از هرگونه شعار به سمت بسط هنر دینی به معنای واقعی آن در بین مردم پیش برود. هنری که بتواند درد دل مردم را واگویند و بسا آنها فارغ از سیاسی کاری و دروغ همراه باشند. در این مسیر از چه چیزی بهتر از موسیقی نواحی می‌توانیم بهره‌مند شویم؟ امیدوارم تا ش ۱۰ ساله من همکارانم در حوزه هنری، در جمع‌آوری این آثار تمرین‌بخش بوده باشد. با تلاش‌هایی که در جامعه موسیقی انجام می‌شود و باوجود تمام سنگ‌اندازی‌هایی که وجود داشته و دارد من و شما به کار خود ادامه خواهیم داد و به واسطه همین تجربه کار مدیریتی که در حوزه هنری آغاز شد؛ بهد خبری هنری موسیقایی، که سال‌ها پنهان بود، در چند سال آینده نمایان خواهد شد و موسیقی ما با تکیه بر همین آیین‌ها و سنت‌های الهی (ملی - مذهبی) همه را شگفت زده خواهد کرد و در جهان نیز جایگاه ویژه خود را به اشکال گوناگون پیدا می‌کند. در پایان، از مدیر دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواستارم که در جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر سال جاری، نمونه‌هایی از آیین‌های موسیقایی کار این همایش فرصت حضور و تجلی داشته باشند، چراکه همین باعث می‌شود این حرکت‌ها به رشد موسیقی و معرفی فرهنگ غنی ایران زمین؛ به طبقات دیگر جامعه کمک و خوراک‌سانی کند.

«رئیس مرکز موسیقی حوزه هنری

موسیقی

گفت‌وگو با فرهاد فخرالدینی در آستانه روی صحنه رفتن در تهران

وقتی عشق نباشد، کار فرمایشی می‌شود



عکس: آیدین رهبر شرق

نوانس

مروری بر آلبوم جدید کوروش یغمایی

همپای دوران‌ها

حمیدرضا تهرانی



■ به تازگی یک آلبوم موسیقی به دستم رسید که اگرچه عمر کموبیش ۳۰سال و اندی از روی هر قطعه آن می‌گذشت، باز هم برایم تازگی داشت. آلبوم Back From the Brink کوروش یغمایی که در آمریکا منتشر شد، به اضافه اینکه تمام آهنگ‌های آلبوم دوست‌داشتنی و عزیز «گل‌بخ» را در خود دارد، تعداد دیگری از آهنگ‌های هم دوران «گل‌بخ» نیز در این آلبوم هست که اکثریت آن آثار برایم ناشنیده بود. فکرش را کنید، وقتی آثار قدیمی از یک هنرمند محبوب به دست می‌رسد، شکل یک گنج نو یافته را به خود می‌گیرد.

این اثر توسط کمپانی تحقیقاتی Stones Throw عرضه شده و ظاهرا ویرایش صوتی نیز روی آهنگ‌ها صورت گرفته تا جایی که وقتی آنها را می‌شنویم اگر از قدمت آثار باخبر نبودیم، باورمان نمی‌شد که متعلق به سال‌های دوری است که در ایران ضبط شده‌اند. در مجموع ۲۰ ترانه، در دو لوح فشرده در این آلبوم وجود دارد که بر تصویر روی جلد آن، این توضیح به چشم می‌خورد که آثار متعلق به سال‌های بین ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ هستند. یکی از آهنگ‌های این آلبوم به نام «حجم خالی» حدود دو سال پیش توسط همان کمپانی انتخاب شد تا در آلبومی به نام FORGE YOUR OWN CHAINS قرار بگیرد که شامل ۱۵ قطعه از موسیقیدانان راک جهان بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۴ بود و در همان آمریکا منتشر شد. به قول کوروش یغمایی، در این آلبوم، او تنها نماینده خاورمیانه است. آهنگ «حجم خالی» را آن موقع نمی‌شناختم، چراکه تنها آلبومی که از این هنرمند در دست داشتم و متعلق به آن دوران بود، ۱۳ قطعه گل بخ بود که در آن وجود نداشت. دریغ از اینکه نمی‌دانستم آثار دیگری هم وجود دارد. بنابراین پس از آن اتفاق نایب در موسیقی، نام کوروش یغمایی را مغرورانه‌تر از گذشته به زبان آوردیم. اما من تا به آن موقع، حجم خالی را شنیده بودم و فقط می‌دانستم که بار اعتبار یکی از بهترین آهنگ‌های راک جهان را به دوش می‌می‌کنم.

مدت نچندان زیاد قبل‌تر از انتشار مجموعه Back From the Brink، حجم خالی را به دست آوردم و شنیدم. این آهنگ مثل تمام آثار کوروش یغمایی، صداقت و سادگی خود را دارد.



شاید بتوان گفت این اثر در ذات وجودی‌اش از ساده‌ترین‌ها شمرده می‌شود اما پیچیدگی‌ها و معیارهای خاصی هم دارد که منتخب آن کمپانی شد و افتخار ننادری را برای موسیقی ما در پی داشت که در نوع خود بی‌نظیر است. از شنیدن این اثر – که می‌شد قهقش را از روی صابرداری از روی نغمه بارش باران در ابتدای آن تشخیص داد- احساس یک کشف تازه را داشتم. همان احساسی بود که از شنیدن دیر هنگام ترانه زیبای «بانوی گیسو حنایی» فرهاد در خود یافته بودم. ترانه‌ای که فراتر از عاشقانه‌های متداول بود. اما با این انتشار تازه در آمریکا که به سمع ما در ایران رسید، ابعاد این احساس گسترده‌تر شد و شغفی زیبا را یافتم. البته غبطه‌ای هم خوردیم، چراکه آهنگ‌ها و ترانه‌های دیگری نیز وجود دارد که می‌توانست در زمان خود به‌عنوان آلبوم دیگری در کنار گل بخ قرار گیرد و ما می‌توانستیم این سال‌ها با آثار هنرمندانه‌ی بیشتری از کوروش یغمایی به سر بریم.

باری، کوروش یغمایی چیزی حدود ۱۷ سال پیش شگفت‌انگیزانه و حال صدايش مدام از رادیو پخش می‌شود ولی کارش مجوز نمی‌گیرد. خود او در یکی از مصاحبه‌هایش گفت: «خدایان موسیقی را اگر ۱۷ سال ممنوع‌الکار کنید، ببینید آخر سر چه چیزی از آنها می‌ماند؟ اما من بعد از این همه سال سکوت آدمم.» جمله‌هایش زجر‌خام است؛ اما امید هم در آن موج می‌زند. روح زجر کشیده امید و آزادی در جمله‌های او نشسته و دارد ما را می‌یابد که زندگی همین است و در این اقلیم باید صبر بیشتری داشت. فکر می‌کنم تحول روحی سال‌های سکوت، او را اینجاچنین ساخته. سال‌هایی بر یک هنرمند بزرگ گذشت که حتی تصور آن همه را دمق می‌کند.

کوروش یغمایی همانند هنرمندان بزرگ هم‌تراز و هم‌دوران‌ش، زنده‌یادان فرهاد مهراد و فریدون فروغی که هنرشان جنس دیگری داشت، کار بزرگی کرد که شایسته تجلیل است. هر کدام از این هنرمندان با یک آلبوم موسیقی بیش از سه دهه مخاطبان را تحت‌تاثیر قرار دادند. کارشان همانا بر سر زبان‌ها بوده و رنگ مالا لور تکرار را به خود نگرفته. کار کمی نیست که یک اثر همپای دوران‌ها برود. اما هر سه هنرمند، نمایانمات و بی‌مهری‌های زیادی را هم تحمل کردند که هرگز حق‌شان بر این ناسپاسی‌ها نبوده و نخواهد بود.

بسیار زیبایی هستند که خیلی‌ها آنها را شنیده‌اند. ما این قطعات را با افتخار اجرا و معرفی می‌کنیم و هیچ ابایی نداریم، بعضی‌ها بگویند اینها تکراری هستند. یکی از اشعار حافظ را می‌توان صدها بار خواند و یک ملودی خوب را می‌شود صدها بار اجرا کرد. همان‌طور که آثار خوب موسیقی غرب دایم اجرا می‌شوند و در سالن‌ها و کنسرت‌های موسیقی آثار آهنگسازان موسیقی از ۲۰۰ سال قبل به این طرف اجرا می‌شود. آیا فقط در ایران نباید آثار گذشته اجرا شود؟! نمی‌دانم بعضی‌ها چه حساسیتی دارند که بگویند تکراری است. مگر چند نفر آنها را شنیده‌اند؟! این مملکت ۷۰ میلیون جمعیت دارد فوشش دو یا سه هزار نفر مخاطب صحنه‌ای هستند.

■ **موسیقی در این مملکت در جایگاه واقعی خودش قرار نگرفته‌است...**

آن‌طور که باید، به آن توجه نشده است. برای من حیرت‌آور است که چرا با این هنر ظریف و شریف، این‌طور برخورد می‌شود. هنوز در تلویزیون ما نمی‌توانیم نوازنده‌ای را که برای رسیدن به این مرحله چندین سال زحمت کشیده، ببینیم. موسیقی از افتخارات هر ملتی است. هزار سال پیش هم چنین بوده و در آن زمان همه فلسفه و دانشمندان خوششان را ملزم می‌دانستند که موسیقی بلدند. موسیقی، روان را تزکیه می‌کند. انسان وقتی با هنر سروکار دارد، کمتر زدنبال شراشرت‌ها می‌رود. موسیقی در ذات انسان است؛ انسانی که در طبیعت رشد و نمو می‌کند، با انسانی که در محله چندین سال زحمت کشیده، ببینیم. موسیقی از افتخارات یک نیاز طبیعی است. نباید جلوی این نیاز گرفته شود. کسانی که با موسیقی و طبیعت سروکار دارند، انسان‌های آزاداندیشی هستند. انسان‌هایی که خیلی راحت نمی‌توان آنها را به کاری که دوست ندارند، وادار کرد؛ انسان‌هایی با یک روحیه خاص.

■ **آیا می‌توان گفت این‌جبهه‌گیری در اصل ناشی از استبداد نامطلوب از موسیقی قبل از انقلاب است، یعنی نوعی ناآگاهی؟**

نه، این چیز تازه‌ای نیست. خیلی قدیمی است و ریشه در تاریخ چن دارد. اصولا نگرش موسیقی در دنیایی که ما در آن زندگی کرده‌ایم، از صدها سال پیش این مشکلات را داشته. نظریات متفاوتی درباره بود و نبود موسیقی همیشه بوده که موسیقی باشد یا نباشد.

■ **منظور تان ایرادات فقهی به موسیقی است؟**

بله، هنوز این مساله حل نشده است. این مشکلات راجع به موسیقی روی مردم و جامعه اثر می‌گذارد. مردم هنوز نمی‌دانند چه برخوردی باید با یک موسیقیدان داشته باشند؛ آیا کار او را درست بلدند یا نه؟! این کم‌لطفی در مورد موسیقی و هنرمند بوده است.

■ **یعنی منطق بودن موضوع فیلم و موسیقی مهم‌ترین عامل است.**

خیلی اثر می‌گذارد. من برای شما یک مثال می‌زنم در مورد بولعی‌سینا، او با فروتنی می‌گوید: دل گرچه در این بادیه بسپار بادیه! می‌موی ندانستی ولی موی شکافت! اندر دل من هزار خورشید بنافت! آخر به کمال درهای راه نیافت. یعنی در عین اینکه از خودش تعریف اما در مقابل این ذره اظهار عجز می‌کند. این لحن معلوم است و مشخص است که روی چنین شعری چگونه باید ملودی ساخت. ولی جایی می‌گوید: کفر چو منی گزاف و آسان نبود/ محکوم‌تر از ایمان من ایمان نبود/ در هر چو من یکی و آن هم کافر! پس در همه مهر یک مسلمان نبود. ملودی‌ها روی چنین اشعاری ساخته شده است. لحن شعر و موضوع فیلم که عاشقانه، حماسی یا عرفانی باشد خیلی به من کمک می‌کرد که به راحتی بتوانم آن ملودی‌ها و هیجانات و آن هارمونی کونترپوانی که لازم دارم را پیدا کنم.

■ **آیا ریشه این ملودی‌ها را از بطن جامعه می‌گیرید؟**

هنرمند درس خودش را پس می‌دهد. آنچه که یاد گرفته بدون اینکه بداند- در درونش متحول و ترکیب می‌شود و در جایی بروز می‌یابد. او هزاران ملودی را شنیده، قدری از یک ملودی و مقداری از یک ملودی دیگر می‌گیرد و آنها را چنان در هم می‌آمیزد و ترکیب می‌کند که یک جمله‌بندی زیبا را به وجود می‌آورد و در واقع آفریده می‌شود.

■ **مرجان صائبی: فخرالدینی ۷۴ساله، سکوت خود را شکسته است. به نظر می‌رسد قصد دارد همچنان برای موسیقی ایران خاطره بیافریند. او تا چند روز دیگر، ارکستر موسیقی «مهرنوازان» را با تکنوازی و آهنگسازی کیوان ساکت و خوانندگی سالار عقیلی رهبری می‌کند. این ارکستر با حضور بیش از ۴۵نفر از نوازندگان بنام عرصه موسیقی، رسماً ثبت و فعالیت‌های خود را آغاز کرده است. فخرالدینی باز گشته است و به «شرق» می‌گوید این بازگشت می‌تواند فصلی نوین در زندگی هنری او باشد: «ارکستر موسیقی «مهرنوازان» یک ارکستر جدید و مستقل است. این یک ارکستر ملی واقعی است. سالار عقیلی خوانندگی آن را بر عهده دارد و کیوان ساکت هم تکنوازی و آهنگسازی کار را.» فخرالدینی از استادان بسیار سرشناس و با سابقه موسیقی ایران است که خاطره‌های آهنگسازی‌هایش برای همیشه در ذهن‌ها باقی خواهد ماند. قرار است در برنامه پیش‌رو، که ۲۶ تا ۲۸ مهر در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار می‌شود، قطعاتی از گذشته تا امروز اجرا شود. در آستانه روی صحنه رفتن دوباره این رهبر ارکستر و بعد از سکوتی چند ساله با او به گفت‌وگو نشستیم.**

استثناه است ندانم کاری‌هایی که ادامه پیدا می‌کند، آدم را به جایی می‌رساند که فکر می‌کند اگر ادامه دهد، آب در هاون کوبیدن است.

■ **چه اتفاقی افتاد که تصمیم گرفتید بعد از دوسال کناره‌گیری از موسیقی دوباره ارکستر تشکیل دهید؟**

بعد از مدتی آدم میل به کار پیدا می‌کند. همه آنها عزیزانی بودند که با آنها کار کرده بودم و خاطرات خوبی از همکاری با آنها داشتم. دوستان خواستند که دوباره دور هم جمع شویم و کار کنیم؛ من هم مخالفت نکردم. حالا به کجا می‌خواهم برویم، هنوز نمی‌دانم. مشکلات زیادی بر سر راه ماست و صددرصد مشخص نیست که می‌توانیم این راه را ادامه دهیم یا نه.

■ **از همکاری با سالار عقیلی و کیوان ساکت بگویید. این همکاری چگونه شکل گرفت؟**

آنها هم جزو کسانی بودند که به من پیشنهاد دادند این ارکستر تشکیل شود و کار کنیم. آقای عقیلی و ساکت در کار خودشان بسیار توانا و روی صحنه قابل اعتماد هستند. اعضای ارکستر همگی توانمند هستند. این ارکستری که تشکیل شده یک ارکستر نمونه است. البته من نباید این را بگویم؛ اما پشتوانه‌ای قوی از نوازندگانی دارد که سالیان سال کار کرده‌اند و زحمت کشیده‌اند. ضمناً این را هم بگویم که هیچ‌وقت نه دوست داشتم و نه دارم که هنرمندان، مقابل هم قرار بگیرند. هر کسی می‌تواند کار خودش را انجام دهد و راه خودش را برود، زمینه فعالیت برای همه فراهم است. خوشبختانه مردم ایران بسیار هنر و موسیقی دوست دارند. اگر غیر از این بود که دیگر هیچ جای امیدی نبود، ما به عشق مردم و اینکه علاقه‌مند به موسیقی هستند، برایشان کار می‌کنیم و کنسرت می‌دهیم، با تمام مشکلاتی که وجود دارد، مثل رقیه‌ای سرسام‌آور اجاره سالن‌ها و هزینه‌های دیگر، باز هم به فکر می‌کنم که یک کار خوب آرایه دهیم و کنسرت باشکوهی داشته باشیم. خوشبختانه دستمان هم بر است. ما گنجینه عظیمی از قطعات موسیقی در اختیار داریم و تلاش‌مان را می‌کنیم که این کار را ادامه دهیم. اگر هم نشود، به دلیل مشکلاتی است که بر سر راهمان قرار دارد.

■ **بالطبع شما به خاطر سابقه هنری و شهرت‌تان از حمایت‌هایی برخوردارید که برای دیگران وجود ندارد. به نظر شما آیا در شرایط فعلی افراد دیگری که اسم و رسم شما را ندارند، می‌توانند به طور خصوصی و بدون حمایت دولت ارکستر تشکیل دهند؟**

اگر گروهی بخواهد بدون حمایت دولت کار کند، نباید هیچ چشمداشت مالی‌ای داشته باشد. کار با نوازندگان حرفه‌ای مشکل است اما نوازندگانی هستند که زحمت کشیده‌اند و می‌خواهند در عرصه هنر تجربه کسب کنند. اگر علاقه‌مند باشند، می‌توانند این کار را انجام دهند.

■ **آیا با این هزینه‌های بالا چنین امکانی وجود دارد؟**

بله، چار نمی‌شود؟ منظور از آن مسایل صحبت کنیم؟

■ **این روزها شاهد حیات چندگانه ارکسترها در ایران هستیم. به نظر شما با توجه به شرایط فعلی راه‌اندازی یک ارکستر دیگر به نفع خانواده موسیقی است؟**

برای یک مملکت ۷۰میلیونی، سه گروه ارکستر زیاد نیست، بلکه کم هم است. تعداد ارکسترها در شهرستان‌ها هم باید بیش از این باشد. در ضمن ما هیچ وابستگی‌ای به دولت نداریم. ارکستر سمفونیک یک نهاد دولتی است و ارکستر موسیقی ملی هم که به نام ارکستر موسیقی ملی قدیم تشکیل شده، باز یک نهاد دولتی است. خرج این ارکسترها را دولت می‌دهد، اما ارکستر «مهرنوازان» که متشکل از نوازندگان ارکستر موسیقی ملی سابق است، در حقیقت کمکی از دولت نمی‌گیرد و وابسته به جایی نیست. ما تجربه‌ای را شروع کرده‌ایم که کار بزرگی است و با کمک آقای تفرشی و دیگر دوستان دست به کاری زده‌ایم و نمی‌دانیم در عمل موفق خواهیم بود یا نه، ولی تمام مخرج و مشکلات این کار را بر عهده گرفته‌ایم. یعنی فرض بفرمایید اگر ارکسترهای دیگر مثل ارکستر موسیقی ملی و ارکستر سمفونیک تهران از امکانات تالار رودکی و وحدت برای تمرین و اجراهایشان استفاده می‌کنند، ما برای تمرین باید یک استودیو شبیه جایی که الان مصاحبه شما در آن انجام می‌شود، اجاره کنیم تا چچه‌ها بتوانند تمرین و خودشان را برای اجرا آماده کنند.

■ **غیر از مشکلات مالی که در حال حاضر با آن درگیر هستید، وابسته نبودن ارکستر مهرنوازان به دولت چه مزایایی دارد؟**

متوجه منظور تان نمی‌شوم.

■ **وقتی شما در ارکستر موسیقی ملی بودید به طبع درگیر مشکلاتی بودید... آیا در حال حاضر آن مشکلات رفع شده‌اند؟**

الان آزادتر هستیم. هنرمندان روحیه‌ای آزاده دارند. هنرمند نمی‌خواهد در قید و بند باشد. در قید و بند قرار گرفتن، هنرمند را اسیر می‌کند و خلاقیت او را از بین می‌برد. اثر هنری باید به طور طبیعی جوشش پیدا کند و خلق شود. هنرمند به صورت ناخودآگاه حوادث اطرافش را باز می‌تاباند. او باید با عشق، کارش را انجام دهد. وقتی عشق نباشد و کار فرمایشی شود، درست از آب در نمی‌آید.

■ **آیا حالا که ارکستر مهرنوازان تشکیل شده، دیگر کارها فرمایشی نیست؟**

من همیشه با عشق به دنبال هنر بوده‌ام. به دنبال این نبوده‌ام که فلان شخص دلش می‌خواهد کارم این‌طور یا آن‌طور باشد. البته شاید موقعیتی پیش آمده که من در شرایط خاصی دوست داشتم کنسرت بدهم، اما ناچار شدم کنسرت بدهم. از این مسایل زیاد پیش آمده. هر قدر هنرمند آزادتر باشد، خلاقیت بیشتر و نتیجه کار بهتر می‌شود.

■ **آیا الان نسبت به قبل آزادتر هستید؟**

هنوز یک‌سری مشکلات وجود دارد؛ اما به طور کلی، بله، آزادتر هستم.

■ **چند روز پیش آقای علیزاده انتقادی نسبت به خانه موسیقی مطرح کرد، مبنی بر اینکه خانه، کار صنفی‌اش را خوب انجام نمی‌دهد و به اندازه خانه سینما قدر تمند نیست. به نظر شما آیا این انتقادها به نفع جامعه موسیقی است یا به ضرر آن؟**

به نظر من این بحث‌ها باید در یک نشست با مسئولان خانه موسیقی مطرح شود و نظر هر دو طرف شنیده شود. موسیقی اصولاً در این مملکت چندان مورد توجه نیست و البته مشکلات سینما، کمتر از موسیقی است. من عضو شورای عالی خانه موسیقی هستم و نمی‌توانم بگویم دوستایی که در آنجا زحمت می‌کنند و تلاش می‌کنند، کوتاهی می‌کنند.

■ **منظور تان این است که می‌شود دو تا ارکستر ملی وجود داشته باشد؟**

بله، چار نمی‌شود؟ منظور از آن مسایل صحبت کنیم؟

است که این موسیقی ملی ایران «سرو کار دارد. من خود این اسم را روی ارکستر گذاشتم. در حقیقت با کمک مسئولان وقت در سال ۱۳۷۷ ارکستر موسیقی ملی را تشکیل دادم و موسس آن هستم. تا اواخر خرداد ۸۸ هم این ارکستر فعال بود و بعد مسایلی پیش آمد که فعالیت آن متوقف شد.

■ **هنوز هم زنجیده‌خاطر هستید؟**

نباید این اتفاقات می‌افتاد. یکی که نیست؛ اشتباه پشت